

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام  
ساحب امتیاز روزنامه هفتگی  
و یومی (جبل المتین)  
(عنوان مرسلات)  
طهران خیابان لاله زار  
نام مدیر میرزا سید حسن کاهانی  
دبیر ادارہ آقا شیخ یحیی کاهالی  
غیر از روزهای جمعه همه روزه  
طبع و توزیع میشود

یومی

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۳۰ قران  
سایر بلاد داخله ۴۰ قران  
روسیه و قفقاز ۱۰ منات  
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک  
(قیمت یک نسخه)  
در طهران صد دینار  
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان مطری  
دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

بامعنا قبول و درانتشارش اداره آزاد است

دوشنبه ۱۳ شعبان المعظم ۱۳۲۵ هجری قمری و ۶ مهر ماه جلالی ۸۲۹ و ۲۳ سپتمبر ۱۹۰۷ میلادی

فکر نان باید کرد

مدتی است آراء و افکار عقلاء و خیر خواهان  
مات و دولت متوجه اصلاح عمل نان و تدارك غله  
و آذوقه شده انجمن شوری بلدی مدتی در این موضوع  
بحث نموده دانشمندان افکار خود را در جرائد و لواحق  
درج کرده و در نمره ۱۱۴ و ۱۱۵ نیز شرحی بقلم یکی  
از خیر خواهان بامضاء (کاظم تبریزی) نشر دادیم  
و وعده کردیم که عقیده خود را در این خصوص در  
آتی اظهار کنیم اکنون بو عده و ما کرده میگوئیم:  
اکثر این مردم را که تماشا میکنیم و در بطون  
عقاید و افکارشان در خصوص اصلاحات بلکیه تمق  
و تفکر مینماییم چنان بنظر میآید که اینها يك خیال  
خام بسیار بیغزیرا پیشرو افکار اصلاحیه خود ساخته اند  
که (دولت باید کمک و مساعدت مالی و حالی نماید)  
و تم عقایدشان در همین نقطه متوقف میشود و ذره  
پس و پیش حرکت نمیکند اگر گویند کثافت خیابانها را  
گرفته و گرد تاکتید گردون رسیده یا گل و لای سطح  
خیابانها را فرش کرده و بعمق نیم ذرع از سطح زمین  
پلند شده و غیرین را بر حمت و کثافت بلکه انواع  
لمراض مبتلا ساخته می در نك جواب دهند که دولت  
باید رفع این معایب نماید و راه را اصلاح کند غافل  
از اینکه این معنی و وظیفه شخصی ملت است و راجع  
بإدارة بلدیة ولو فرض که شیل دولتی نیز باشد لامحاله  
این مخارج را در مقابل عوارضات چند است چون  
عوارض خانها و مبرها و حق الأرض بلکه عوارض  
درویشچه و کانسکه در رشک و غیره چگونه دولت میتواند بدون

انگه دیناری از احدی بگیرد این مهم را انجام دهد و همچنین  
در عمل نان تمام افکار بان نقطه منتهی میشود که دولت  
کندم دیوانی را بقیمت نازل بلکه مفت بدهد تا این امر  
صورت صحت یابد ولی ما خود اولاً این فقره را بتجربه  
رسانیدیم و پانزده هزار خروار گندم دیوان بلکه بیک  
حساب بیست و پنج هزار خروار بنابر قرار دادیم با کمپانی  
نان سال گذشته دادند مقرر شد ذره افافه بخشید و ثانیاً  
کندم دیوان نه برای رفاه حال اهل طهران است این  
جنس را همیشه دولت باید برای مصارف قشون نگاه دارد  
و چیزی سر باز و توجی و سایر اهل نظام را از این محل  
پردازد و فاضل را برای روز بدو بیست آندهای ناگوار  
نگاه دارد این گندم خوراك مردم بزاری و آقایان اغنیاء  
نیست که متاع خود را بقیمت گزافی فروخته در عوض  
نان را بر نرخ خیلی ارزان بخرند اگر جنس فاضل چندین  
ساله را امروزه دولت میداد و همه ساله بیک بازی از دستش  
در نمیکردند برای حرکت یگمشت قشون بر سر کار اینهمه  
مشکلات نمیشد و آرومی دولت در نزد خودی و بیگانه  
نمیریخت و مجبور نمیشد بعد از سه ماه قتل و غارت  
دست بدست بمالد و مورد سر زنتی ملت واقع شود باری  
من میگویم جنس دیوانی برای قشون است قشون برای حفظ وطن  
و ما را نمیرسد هیچگاه لوازم حفظ وطن اصری شکم خود نمائیم  
هر قدر کرسنه باشیم نباید تو بخانه و قورخانه دولت را فروخته نان  
بخیریم همچنین گندم دیوان را محافظت و نگاهداری در اول مرحله  
لزوم است بلاوه آیا ملت ایران عبارت از متوقفین و  
ساکتین طهران است یا از ساحل خلیج فارس تا بندر  
آستارا همگی بگمات محسوب میشوند علاج نباید گره  
برای چهار صد هزار نفر بلکه برای سی هزار نفوس

علاج لازم است  
و رفاه باشند  
نمودیم و نان در  
سخنی باقی ما  
و مبلغ بطهران  
پنسلون (ظاه  
پس چه  
و دشواری  
همه اهل علم  
وسیع است که  
باشند بخوبی  
تربیتش طیبه  
دشمنای قابل  
جمیعت کم  
آنکه همه کم  
محتاج بخارج  
محسوب باشد  
بطور قطع  
اهلش را مینماید  
ماهی کندیده  
خوراك فرنگی  
کفای ما فقر  
نماند و پوسید  
میخریم آیا  
مسافت گران  
حک است  
نشسته عاشقان  
چون معلوم  
میگوئیم عیبی  
باید آنها را  
ظهور قحط  
بواسطه آفات  
ضرورت و لزوم  
نادر و در  
میشود دیگر  
مثل عراق  
بقدر لازم  
چون کاشان  
انبار دری  
مخفی کرد  
با لیداه  
میکنند پس



علاج لازم است کاری باید کرد که همدمت در استراحت و رفاه باشد — سامنا که برای طهرانیان فکر بگری نمودیم و نان در اینجا ارزان شد و سایر بلاد بر حال سختی باقی ماند هورا از هرجانب گروه گروه چون دور و ملخ به پهران هجوم کنند و مفاد ( و هم من کل حدب یسلون ) ظاهر شود بز کار بسختی و اوقات تلخی کشد پس چه باید کرد که این گروه فرو بسته باز شود و دشواری مبدل باسانی شود؟ کاری بسیار سهل که همه اهل علم کرده اند ایران بحمد الله اراضیش بقدری وسیع است که اگر ده برا این جمعیت حالیه در او باشند بخوبی زندگانی توانند کرد اراضی همه خصبه و تربتش طیبه در های حاصل خیز و چمنهای با صفا ، دشتهای قابل زراعت ، هوای موفق ، زراعت زیاد ، جمعیت کم ، علاج درد خیالی آسان توضیح این اجمال آنکه همه کس بدانند اهالی ایران برای قوت یومیه محتاج بخارج نیست مثل دولت هلند یا بلژیک نمیتوانش محسوب داشت که خوراک از خارج بدو وارد میشود بطور قطع و یقین مزروعات و محصولات ایران کفای اهلیش را مینماید محتاج بخارج نیست مگر از حیث ماهی کنده و پنیر گرم گرفته و امثال آنها که مخصوص خوراک فرنگی مابان نازک طبیعت است این کتدم و جو کفای ما فقراء را کرده و میکند بشرطیکه در انبارها نماند و پوسیده نگردد همان کتدم که ما او را قیمت جان میخریم آیا مال امریکا و استرلیا است که بواسطه بعد مسافت گران وارد شده نه و الله از محصولات همین خاک است منتهمی چون مدنی عروس و در پس پرده نشسته عاشقانش زیاد کرده و نقد جان عزیز را در بهایش میدهند چون معلوم شد غله در ایران بقدر کفایت عاید میشود لذا میگوئیم عیبی که در اینکار پیدا میشود چند چیز است که باید آنها را دانسته و سبب رفع آنها را اتخاذ کرد یکی ظهور قحط و غلا است که حاصل در تمام نقاط یا بعضی بواسطه آفات زمینی یا آسمانی نایاب میشود و بقدر ضرورت لزوم عمل نماید ظهور قحط ولی در تمام مملکت خیلی نادر و در حکم معدوم است غالباً در بعضی نواحی ظاهر میشود دیگر آنکه در یکجا زیاده از قدر لزوم بعمل میاید مثل عراق و کمره و کراز و امثال آنها و در پاره نواحی بقدر لازم ندارند و باید از سایر نقاط بدانجا حمل شود چون کاشان و یزد و غیره — دیگری مسئله احتکار و انبار دری است که کتدم را پنهان نموده از انظار خلق مخفی کرده شهرت میدهند که کتدم نایاب است و با لبداهه هر جنس که کم و مشتری زیاد باشد ترقی میکند پس با علی القیم میفروشند و خون دل فقراء را

تناول میکنند — علاج ایندرد آخری منحصر یکی از دو امر است یا بستن عوارض فوق العاده که ترقی قیمت و فای بدو ننماید چنانکه در مهلك عثمانی مرسوم است که هر جنس که در مرئی عموم نباشد یعنی بجائی باشد که قفل بدو زده شود يك مبله ما هوار باید بدیوان بدهند بنابراین صاحب غله ناچار است غله را در دکان در مقابل چشم همه مردم بگذارد و چون بطلب خریدن بسمتش روند همراً بهرود یا اخراج اجباری چنانکه مرحوم مختار السلطنه مدنی بهمین وسیله نان طهرانیان را انداخت هر جا انباری سراغ داشت شکست و کتدمش را بکتدمت از قیمت عاده برداشت — لکن علایجی عمومی که هم امرنان را سهل میکند و هم مالیات را ترقی میدهد و زیاد میکند وهم دولت را بجزئیات احوال مملکت و رعیت خود مطلع میسازد مسئله (کاداستر) است کاداستر عبارت از مساحت اراضی و رسیدگی بجزئیات و خصوصیات بطور علمی و برداشتن نقشجات از هر خاک بجمع خصوصیات کاداستر همین میکند آب رود خانه جاجرود چه قدر اراضی را سیر آب میکند و چه قدر محصول میدهد قطعه هر زمینی را بطول و عرض مشخص میسازد تخم کار و بذر افشان را معلوم میسازد کاداستر حاصل صیفی و شتوی را معلوم و مقدار عایدی دیوان را مشخص و صاحبان اراضی و املاک را همین میسازد آنوقت واضح میشود که محوطه طهرانی مثلاً چند هزار جریب زمین قابل زراعت است و سالیانه چه قدر غله از آنها عاید میشود و در ترد چه اشخاصی است دولت صورت تمام آنها را بر میدارد و قسمت ارباب و رعیت را معلوم کرده آنچه ضبط ارباب و مالک میشود محاشرا همین میسازد فرضاً معلوم شد فلان آقا دوازده ده دارد و از مجموع اینها به اندازه قسمت ده هزار خروار غله بر میدارد و در فلان نقطه انبار میکنند خوراک خانواده خودش در سال صد خروار است بیکسخت برای تخم کار و بالاخره فی المثل هشت هزار خروار مخصوص فروش است و همچنین سایر اربابان — و آنچه متعلق بر رعیت است آیا زائد از کفای خودش میشود و مقدار چیست فی المثل این قریه بعد از وضع حقوق دیوانی و اربابی و تخم کار پنج هزار خروار غله دارد و کلیه سکنه قریه دو بیست نفر میشود و خوراک آنها مثلاً در سال هزار خروار است و بقیه که چهار هزار خروار باشد مخصوص فروش است خلاصه خوراک طهرانی معلوم ، مقدار محصول که بطور قطع زیادتر از خوراک است معلوم ، صاحبان غله معلوم ، محل غله معلوم ، پس در اینصورت ابدأ محتاج



نیستیم گندم دیوانی را بعت یا قیمت نازل بخیزان بدهیم و سر باز و سوار و نویچی را گرسنه نگذاریم ارشکم آنها واگرفته بحلق دیگران بریزیم له چند قانون لازم است وضع و بموقع اجراء گذارده عوژد آنها نیز چندان صعوبت ندارد اول آنکه قیمت تغییر نا پذیری برای نان و گندم معین کنیم که هم اسباب رفاه عامه باشد و چندان هم ضرر بر رعیت و ارباب وارد نیساید و با قیمت سایر بلاد نیز تناسب داشته باشد تا بسبب ارزانی مردم هجوم بطهران نکنند (دویم) آنکه میزان سایر اجناس و مزد عملجات و سایر طبقات را بقیمت نان باید قرار داد مثلاً اگر نان قیمت یکقران است و عمله سه قران وقتی نان يك ثلث تخفیف قیمت یافت مزد عمله نیز بهمان نسبت کم شود یا اگر ترقی کرد آنها ترقی پیدا کند نان یکقران است و ماست یکقران وقتی نان دهشاهی شد ماست هم دهشاهی شود والا سر رشته از دست بیرون رفته کار بافراط و تفریط خواهد کشید بعضی بی حد غنی و برخی بی اندازه فقیر خواهند شد دخل جمعی زیاده از خرج و از گروهی کمتر از خرج خواهد گردید و این مطالب يك شرح مفصلي لازم دارد که در موقعی دیگر تشریح خواهیم نمود (۳) آنکه سه ماه بعد از برداشتن حاصل یا اول پائیز هر کس غله دارد باید صورت آنرا برای فروش بداره بلدی بفرستد و حاضر فروش باشد و الا اگر بمضمون (الناس مسلطون علی اموالهم) میخواید مال خود را نگاهدارد برای يك خر و ار در ماه یکتومان مالیات بدهد — این امر اربابان را مجبور میکند که هر چه زود تر غله را بفروشند زیرا از یکطرفی تحمیل عوارض اسباب خسارت است و از طرفی دیگر چون نرخ تغییر نا پذیر است هر چه زود تر بفروشد تفریل پولش منفعت او خواهد بود یا اگر میخواید تجارت یا کسب دیگر بنماید پول حاضر خواهد داشت: کسر انبار نیز هر چه زود تر بفروشد نفع او میشود در اینجا قهراً غله نا مرغوب خواهد شد زیرا که فروشنده زید میشود بعلاوه بواسطه آنکه غله بیش از خوراک است يك قسمتی میماند و بفروش نمیرسد پس ملاکین برای مزید نفع تغییر محصول داده گندم کم کاشته تر ياك و حبوبات و غیره میسکارند بنا بر این يك قانون رابعی لازم است که ذیلاً عرض میشود

(چهارم) آنکه احدی از ارباب و رعیت حق نداشته باشد در حاصل شتوی که غله است تغییر بدهد مگر باذن وزارت فلاحت و هر که از این قانون تخلف نماید يك مجازات قانونی در حقش مقرر شود یا بدهی

دیوانش مضاعف گردد تا غله سال بسال کمتر زراعت نشود و همیشه از مقدار خوراک اهالی بیشتر باشد و فائده این امر برای سال قحطی است که غله بمیل نمیاید چنانکه حضرت یوسف صدیق علیه السلام در مصر همین کار را کرده در مدت هفت سال قحط احدی از گرسنگی تلف نشد و قیمت غله ترقی نکرد

فصلاً خسته کی و کسالت مانع از تعقیب مطلب است انشاء الله در آتی باز تجدید عنوان خواهیم کرد و علی الله التوکل و به الاعتصام

### خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

(شنبه ۱۲ شهر شعبان)

سؤال از مذاکرات حضوری در باب اقدامات سرحدی شده که اعلی حضرت چه فرمودند جناب رئیس اظهار داشت که امروز عصر در دربار مجلس از وزرا و امراتشکیل می یابد نتیجه آن شروبی بمجلس خواهد آمد

مذاکره در کلیه عرایض که بمجلس رجوع میشود بمیان آمد قرار شد که بعد ها عرایضی که راجع بهر اداره و وزارتخانه است ابتدا علی الرسم بهمانجا رجوع میشود اگر تحقیق و رسیدگی نشد بدفتر مجلس رجوع شده جواب انرا از اداره مرجوعه بخوانند و قرار شد در این باب اعلانی نوشته شود از طرف مجلس مقدس تا همه ولایات مهابوق باشند و صورت تلگرافی از طرف مجلس مقدس قرائت شد بحکام ولایات که مجلس غیر از انجمن ایالتی یا ولایتی و بلدی سایر انجمنها را نمی شناسد و رسمیت ندارند اگر مطلبی است آنها باید بتوسط حکومت یا انجمن ولایتی بمجلس مقدس رجوع نمایند آنها اگر یاسی از ادارات مرجوعه حاصل نمودند و غیر از انجمن ولایتی سایرین به هیچ وجه حق دخالت در امورات انتظامی و حکومتی ندارند

قدری در باب تفاوت عمل مذاکره شد که حکام تعدی و ظلم می نمایند قرار شد که بوزیر مالیه رجوع شود از آن مقداری که معمول بود هر کسی از هر جا هر چه زیاد تر گرفته باشد باید رد کند

مذاکره در تمبر عرایض شد که مقرر شود هر کس عریضه بمجلس میدهد تمبری که قیمتش یکقران باشد در پستخانهها بخرد روی پاکت نسب کند تا جواب داده شود و جاو بعضی عرایض بی فائده بحاصل هم گرفته شود بعد از آن مذاکره قرار شد که نوشته بشود و رای گرفته شود که حتی عرایضی که بهر اداره میرسد با تمبر باشد مرقومه از طرفی حضرت حجة الاسلام آقای اخوند ملا محمد کاظم خراسانی مسدظه العالی توصیه و سفارش



در حق و ورثه مرحوم حاجی آقا محسن عراقی قرائت شد که از فرار مسموع بعضی اجحای و تعدی در املاک هان می نمایند با اسم اینکه مستقر و مخالف مجلس مقدس هستند با آن احکامی را که خودم در باب مجلس مقدس نوشتم و اظهاراتی را که ورثه آن مرحوم نمودند همراه با اساس مشروطیت هستند و مجلس نگذارد که کسی باین اسم بانها اجحای نماید لکن عدالته کسی ظلم و تعدی نخواهد کرد ولی اگر حریف شرعی و ادعا داشته باشند باید بقانون شرع ختم شود

عریضه از رحیم خان قرائت شد که از احکام مشروطه و مساوات همه باید محفوظ و بر مندر باشند اگر بنده مقصرم اینبیطاق کرده مجازاتم بدهند و اگر نیستی که چرا بنحویم همان طور مسکوت عنه یاند

مذاکره در خصوص سالار بفتح شد که آنهم عریضه عریض کرده در این خصوص مذاکرات زیاد شد بالاخره قرار شد که تا آخر ماه مبارک رمضان اسرا را بهر نحوی که خودش میدانند استرداد نماید و خود در حبس باشد بعد از آن هر چه مجازتش معین شد مجازات شود

لایحه از مؤید السلطنه در باب تلگرافخانه قرائت شد که سابق بر این هم عرض کرده و دم جوی نرسید در هر حال تکلیف معلوم شود بعضی گفتند که تا هفتاد و پنج هزار تومان هم میدهند فرار شد رجوع شود بکمیون مایه آنچه صلاح دیدند و رای دادند باید در مجلس لایحه هم در همین خصوص از سپردار قرائت شد که بن میلی متضرر و پنج ساله اجاره من است مخارج زیاد هم نمودم آنکسی که میخواهد اجاره کند ماهی دو هزار تومان بمن بدهد من واگذار باو می نمایم گفتند اجاره او شرعی نیست و امر مایه با مجلس است هر چه فتح دولت و ملت است باید ملاحظه شود

(مکتوب یکی از حواتین)

خدمت جناب مستطاب مدیر محترم روزنامه مقدس حبل المتین استدعای عا جزانه این کمیته آنست که این لایحه ناقابل من جگر سوخته را در روز نامه درج فرمائید الهی اختر از گردش بماند چرخ گردون و از بگون هود فلک ویران گردد این چه اوضاعی است و این چه محشر است ای بزدان بلغیرت و ای شهسادی راه مشروطه ای جوانان غیور و ای تنزین داهادن ای شهدای بی عمل و کفن و ای اطفال یتیم پدر مرده نمیدانم بچه رنجی بمانگریه کنم و یا بمظلومی پدرتان نذبه نمایم چنان ناقابل کمیته و ای آن خاکیکه شما قطعه قطعه برادران بلغیرت را در بر گرفته و احمدا و واعریستاً چاله حیوانات دنیا و صحرا هم باین درجه بر صاحب

(طهران - مطبوعه « فاروس »)

نیستند فریاد از یکسای داه از مظلومی حس ملت چه شده بغیرت جوانمردی کجا رفته ای اشخاصیکه اسم خود تانرا مرد گذاشته چه طور شد عصیت شماها درنت تا کی تحمل نایند برادران ما را تمام گشتند خواهران ما را اسیر کردند نوبت من و تو هم خواهد رسید ایگشت من فلک زد زود تر می مردم چنین روزی انمی دهم و نمی شنیدم تمام جنوب آذر بایجان را بگناه مطالبه حقوق خود مانند گوسفند قربانی ریز ریز میکنند و ما مردم در خانه خود در کمال راحتی و آسوده گی بسر بریم

ای زنان ایران وی همیشه برهای من میخواهم خواهش کنم که شما همتی کرده مددی باهالی در مانده می پناه اروپه و خوی و ما کو بدهید ملاحظه میکنم خطاست از دست شماها چیزی بر نمیاید ولی این قدر ممکن است استدعا کرده عرض حکتم زان شب مردان خود تان را بخانه راه ندهید عرض کنید بغیرت شماها چه شده تا آن همیشه های بی شوهر و اطفال غیر خوار بی پدر را آسوده نکنید بخانه راه نخواهیم داد بخون ناحق ریخته همان شهدای وطن قسم ست در این دوسه روز بقدری نالیده و گریه کردم که حالیه حالت تحریر ندارم شاید انشاء الله نا تلگرافی جگر خراش ثانوی دیگر عمر باقی نباشد خدایم مرگ دهد که دیگر تحمل ندارم (امضاء خانم قروینی ق ض)

(تلگرافی مخصوص اداره از ایروان)

(۲۱ ستمبر ساعت ۷ ظهر)

طهران توسط تھی زاده دار الشوری کبیری روزنامه حبل المتین ، سردار ما کو در قتل و غارت درام هر روز اسباب ناریه در تزاره مگر رعایای ما کو سلمان و رعیت دولت نیستند مستبدین مانع از اظهار تظلم — تعجب است چرا جلو گیری این همه خونریز را نمی نمایند از وکلاء محترم مستعدی است اقدامات فوری در اطفاء این نایره جالسوز فرمایند و الا ما کو و اهالی تمام ویران — ایرانیان مقیم ایروان

(اعلان)

بموم اهالی ایران عرض و استدعا مینمایم بنده زاده میرزا حمید خان که بقدرت کسب راه تحصیل علم معاش نکرده هر کس با او طرفی معامله باعد ببنده ربطی نخواهد داشت (میرزا مصطفی خان تبریزی)

(اعلان اداره)

فردا که روز سه شنبه یا نهم شعبان است بواسطه ولادت با سعادت حضرت حجة عجل الله فرجه اداره تعطیل و روز نامه طبع نخواهد شد مشترکین محترم چشم براه نباشند (حسن الحسینی الکاشانی)